تحولات سیاسی ـ اجتماعی جهان اسلام در سده‌های سیزدهم و چهاردهم هجری و تاثیرآن بر شکل‌گیری رویکردهای نوین به تفسیرقرآن

سیدکمال کشیک نویس رضوی [۱]

عباس احمدوند [۲]

محمد رحیم بیرقی [۳]

چکیده

در این مقاله با بررسی تاریخی، به روش مطالعه تطبیقی خُردِ متوازن[۴]،روش بهره گیری مفسِّران مسلمان از تفسیر قرآن به قرآن، که منبعث از جریان منطقی وحی، روشنگری درونی قرآن، قطعیت و صحت متن و تقدم متن بر دانش یا موضع مفسِّر بوده و تفسیرگری در آن فرآیند فهمی جامع از متن دانسته شده، به بررسی تحّول این رویکرد تفسیری در سده چهاردهم هجری پرداخته و روشن خواهد کرد که چگونه این رویکرد تفسیری و مفسِّران طرفدار آن، چون علاّمه سید محمّد حسین طباطبایی در "المیزان فی تفسیرالقرآن" و الشیخ محمد الأمین الشنقیطي در "أضواء البیان في إیضاح القرآن بالقرآن"، متن گرا بوده و ضرورت های فکری ـ اجتماعی عصر، آنان را به این رویکرد متوجه ساخته است.

کلیـد واژه هـا: تفسـیر مـتن گرایانه،تفسـیر قـرآن بـه قرآن،تفسیردرسـده چهاردهم،علامـه طباطبائی،الشـیخ الشنقیطی.

۱- دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد و مدرس دانشگاه علمی کاربردی مشهد

k.razavi1985@gmail.com.

۲- عضو هیأت علمی گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی, دانشکده الهیات و ادیان،دانشگاه شهید بهشتی، a_ahmadvand@sbu.ac.ir

۳- دانشجوی دکتری علوم قرآن وحدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی m_r_beyraghi@yahoo.com

4. Symmetrical Micro-comparison

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۴/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۵/۲۵

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

درآمد: شرایط سیاسی، اجتماعی جهان اسلام در سده های سیزدهم و چهاردهم هجری

آنچه که با نام"بیداری اسلامی و اندیشه اصلاح گری" درسده چهاردهم هجری رخ نمود را، نمی توان بی توجه به پس زمینه های پدیدآمدن آن فهمید. جامعه اسلامی درسده سیزدهم هجری رویدادهایی را نظاره گر بوده که سبب گام برداری برای تغییر درسده پس از آن شد؛ این رویدادها را می توان به دو دسته رویدادهای سیاسی و اجتماعی، تقسیم کرد. دراین دوران، سرزمین های اسلامی با حاکمانی مستبد، که برجان، مال و ناموس مسلمانان حاکم بودند و آنان را از پیشرفت باز می داشتند، گرفتار استعمار و استثمار دولت های اروپایی نیز بوده و علاوه برمبارزه با استبداد داخلی، با استعمار خارجی نیز رویاروی شدند.(الخربولوطی، ۲۶۷ – ۲۶۹؛العقاد، ۳۵؛ میرآقایی، ۵۱) جنبش های سیاسی این برهه از تاریخ یا درپی احیای خلافت عربی بودند، چون عبدالرحمن کواکبی، یا خواستار اصلاح شرایط داخلی سرزمین های اسلامی؛ برخی نیز درپی اصلاحات عمومی در دولت وقت و گروهی درپی حقوق گوناگون عرب ها بودند؛ و چون نجیب عازوری، گروهی درپی جدایی سرزمین های عربی از عثمانی.(الخربولوطی،۲۷۵ – ۲۸۳؛ عنایت، ۳۲؛ منیر، ۱۳۰) شرایط اجتماعی جوامع اسلامی نیز چندان به سامان نبود؛ گسترش آگاهی مسلمانان از سابقه تمدنی خویش و شناخت عقب ماندگی های علمی، اقتصادی و اجتماعی جهان اسلام دربرابر پیشرفت های غرب، که ادعای برتری دینی مسلمانان را به چالش می کشاند، همراه با تهاجم فرهنگی غرب و گسترش پدیده تبشیر درسرزمین های اسلامی به بهانه حمایت از مسیحیان شرق، تعهد واحساس پیوند با اسلام را درمیان مسلمانان بر می انگیخت.(الخربولوطی ،۲۶۹؛ شریعتی، ۱ – ۳؛ مونتگمری وات، ص۲۰۰ – ۲۲۰؛مغنیة، ۱/ ۸؛ العقاد، ۳۶ و۶۳.) این شرایط، پیش درآمد عصر بیداری اسلامی با چهره هایی چون سیدجمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده،سیداحمدخان هندی و...بود، که به انگیزه اصلاح وضع مسلمانان به اندیشه اصلاح گری، به ویژه در عرصه دینی، رسیدند. (الخربولوطی، ۲۷۰ – ۲۷۱؛ میرآقایی، ۵۲)

۱- اندیشه اصلاح گری و پیامد آن

بی گمان مهمترین پیامد عصر بیداری اسلامی، اندیشه اصلاح گری بود؛ اصلاحاتی که باید

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

در فکر دینی، هویت مشترک اسلامی، اصل اجتهاد، توجه به دانش های نـوین و بـه ویـژه در نظـام های سیاسی سرزمین های اسلامی، که در رنج استبداد داخلی و استعمار خارجی بودنـد، رخ مـی داد. اساس این اندیشه بازگشت به قرآن بود.(شریعتی،همانجا؛ هاشـمی، ۳۰؛ طوقـان، ۶۵ – ۶۷؛ سروش، ۱۶۸) جامعه اسلامی که درپی اصلاح گری بود، قرآن را معیار خویش قرار داد؛ امّـا آنچـه مهم می نمود فهم قرآن متناسب با نیازهای روز جامعه اسلامی، برآمده از بیـداری اسـلامی، بـود. برای دست یابی به این مهم، دیگر روش ها و رویکردهای کهن،که غبار بر فهم قرآن انداخته بودند، کارآیی نداشت، درنتیجه دامنه اصلاح گری به تفسیر قرآن نیز کشانده شد و نگـارش در روش هـای نوین تفسیر قرآن آغاز گردید.(صادقی تهرانی، ۱/ ۱۸؛ میرآقایی، ۵۵ – ۶۱؛ خوش منش، ۱۳۱)

۲-۱- تاثیر اندیشه اصلاحی بر تفسیرنویسی

بازگشت به منابع اصیل اسلامی و تلاش برای عقلانی سازی بنیادهای نظری دین، به ویـژه در پی آگاهی از جنبش اصلاح دینی اروپا، پروتستانتیسم، وتاکید پیروان آن بر کتـاب مقـدس و اینکـه باید به آن نگاهی کلی کرد نه جزئی وکتاب مقدس خودش مفِّسر خویش است، از عوامل مـوثر در توجه به قرآن بود.(عزیز، ۸۱؛ هاشـمی، ۴۰؛ عمـارة، ۲۲۴)یکـی از مهمتـرین ابعـاد تاثیرگـذاری اندیشه اصلاحی درتفسیر قرآن، تنزل جایگاه تفسیر نقلـی و اهمیـت یـافتن توجـه بـه تفسـیر قـرآن براساس خود قرآن بود. دراین روند بی اعتباری اسرائیلیات، اختصار درمباحث ادبی و لفظی، پرهیز از تفصیل در آیات الاحکام و میانه روی در تکیه بر روایات، جایگاه قرآن را در تفسیر بیش از پـیش نشان می داد.(صادقی تهرانی، ۱/ ۱۶؛ صدر، ۱۰ – ۱۵؛ هاشمی، ۵۲) تفـاوت تفاسـیر نـوین را بـا کهن، می توان درسه ویژگی انگیزه های تفسیری، گزینش موضوع های تفسـیری نـوین و روش هـا دانست.(کریمی نیا، ۹۶؛ هاشمی، ۵۰)یکی از روش های تفسیری، که در این دوران به رویکـردی تفسیری تغییر یافت، تفسیر قرآن به قرآن است؛ تفسیر قرآن به قرآن به مثابه روشی ریشه دار درسنّت تفسـیری مسـلمانان، درکنـار دیگـر روش هـا بـرای تفسـیر بخشـی از تفسـیر قـرآن بـه کـار رفتـه است،(صدر، ۱۹؛ الصادقی، الجزءالثلاثون/ القسـم الاول/ ۵؛ ۳۱۵, McAuliffe) درحـالی کـه بایسته است آن را رویکردی مستقل به تفسیر، که خواسـتار مبنـا قـرار گـرفتن قـرآن درتفسیراسـت، دانست؛ زیرا دیگر رویکردها به سبب تطبیق بودن نه تفسیر، بی اعتبارشده و مفسرانی که در تفسـیر از رویکرد قرآن به قرآن بهره برده اند، علاوه بر دوری از تفسیر بـه رأی، مفـاهیم آیـات را بـه سـمت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

خاصی هدایت نکرده و موضوع، روش و مستند را از قرآن به دست آورده اند؛ به همین علّت باید آن را یک رویکرد نوین دانست، نه با نگرش روشی به آن، در دیگر رویکردها، به ویژه تفسیر موضوعی(حسینی شیرازی، ۱/ ۵۰ - ۵۲)، به کار بست. همچنین تاکید بر نظم و هماهنگی نظامند آیات قرآن، به ویژه از نظر معنا، در رویکرد تفسیری قرآن به قرآن، پاسخی است برای روایات مدعی زیادة یا نقصان در قرآن و تطبیق های علمی نوین با آن.(شریعتی، ۵۲ - ۵۴؛ صادقی تهرانی، ۱/ ۲۶؛ صدر، ۲۳)از سوی دیگر رویکرد تفسیری قرآن به قرآن راه کاری برای وحدت اندیشه ای درجهان اسلام و احیاء جایگاه اجتماعی مناسب قرآن است.(صادقی تهرانی، ۱/ ۳۲ - ۳۸؛ عمارة، ۲۲۵)

۲- رویکرد تفسیری قرآن به قرآن در المیزان علامه طباطبایی

۲-۱- آشنایی با علامه طباطبائی

علامه سید محمد حسین طباطبائی قاضی(۱۳۲۱-۱۴۰۲ه.ق) درخانواده ای معروف به دانش و فضیلت در تبریز به دنیا آمد(الآلوسی،۳۶). او مقدمات علوم ادب فارسی، عربی، علوم دینی، منطق، فلسفه و کلام را درتبریز و مراحل بالای تحصیل را در نجف اشرف(از۱۳۴۴ه.ق - ۱۳۵۴ه.ق)سپری کرد. علامه با سفر به قم، به نیاز مدارس علمی در تدریس علوم قرآنی(تفسیر) و علوم عقلی(فلسفه اسلامی)، پی برد و تا پایان زندگانی علمی پر برکت خویش به این مهم پرداخت(الامین،۹/ ۲۵۵؛ حسینی طهرانی،۶۰ - ۶۲؛ الحیدری، ۱/ ۷ - ۱۵)[1]. علامه طباطبائی درشهر قم، علاوه بر پرورش شاگردان بسیار، به نوشتن آثاری گران سنگ در زمینه های گوناگون علوم اسلامی به ویژه تفسیر و فلسفه پرداخت.

۲-۲- آثار علمی علامه طباطبائی

علامه طباطبائی آثار بسیاری به زبان فارسی و عربی، در زمینه های علوم اسلامی از خویش به جا نهاده است؛ از جمله آثار مهم ایشان پیرامون علوم قرآنی می توان "رساله ای در باره وحی"،

۱- با توجه به شهرت علامه طباطبایی در میان اهل علم، از بیان تفصیلی زندگی نامه ایشان اجتناب شد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

"قرآن در اسلام" و تفسیر گران سنگ ایشان" المیزان فی تفسیرالقرآن"، را نـام بـرد. همچنـین آثـاری چون "اصول فلسفه"، "تعلیقات بر الأسفار الأربعه" صدرالمتالهین ملاصـدرا شـیرازی(د. ۱۰۵۰ق)، "بدایة الحمکة" و "نهایة الحکمة"،، "الرسائل السبع[1]" و..... از ایشان در فلسفه و کلام اسلامی به یادگارمانده است.

۲-۲-۳- المیزان فی تفسیر القرآن

المیزان فی تفسیر القرآن، از مهمترین کتـاب‌هـای تفسـیری جهـان تشـیع درسـده چهـاردهم هجری(عاجل الأسدی، ۴۰)، تفسیر قرآن را به طورکامل و از آغاز تا پایان بیان کـرده اسـت. علامـه طباطبائی بنیانگذار یا تنها کسی نبود که در تفسیر قرآن، از خود قرآن بهره برد؛ بلکه ایشان خط ائمة اطهار(ع) را درتفسیر پی گرفت و برپایه نیازسنجی که به هنگام ورود خویش به قم برای حوزه علمیه انجام داد، به اهمیت طرح مباحث تفسیری از این دست پی برد و چندین دوره به تدریس تفسیرقرآن پرداخت و سپس مباحث را به صورت مجلداتی به چاپ رساند(سبحانی، ۲/ ۳۶۷؛ سند، ۳۷).

علامه طباطبائی در رویکرد خویش به تفسیر، بر مسلک های تفسیری پیشـینیان خـرده گرفتـه است که آنان آراء خویش را بر قرآن حمل می‌کرده اند. از این رو، کار آنان تفسیر نبوده، بلکه تطبیق آیات قرآن با حوادث و اخبار مربوط بـه گذشـته مسـلمانان بـوده اسـت(طباطبـائی،۱/ ۸). علامـه طباطبائی اختلاف در آراء تفسیری را برخاسته از همین تطبیق مصداق آیات بر حوادث و شخصیت های تاریخی می داند. به عنوان نمونه، ایشان در بحث های علمـی، بـدون هیچگونـه پـیش فـرض درباره یک علم، نخست به وجود مبحث علمی در یک آیه پی برده و بعد به تفسیر و توضـیح آن بـا کمک آیات دیگر پرداخته و سپس دیدگاه قرآن را درباره آن موضوع بیان می کند(طباطبائی،۱/ ۷).

دوران حیات علامه طباطبائی، دوران نشاط و تحولات عظیم فرهنگی ـ علمی در جهان اسلام بود. این نشاط و تحول، در تفسیر المیزان تاثیر گذاشته و علاوه بـر تفسـیر قـرآن، آن را نمونـه ای از توجه یک دانشمند مسلمان به اصلاح‌گری دینـی، سـاخته اسـت(خرمشـاهی، ۲۶۴؛ هاشـم زاده، ۱۸۹).ایشان در پرتوی مطالعه و تفسیر قرآن، به جنبه های گوناگونی توجه داشته است که مهمتـرین

۱- شامل رسالة فی اثبات الذات، رسالة فی الصفات، رسالة فی الافعال، رسالة فی الوسائط بین الله والانسان، رسالة الانسـان قبـل الـدنیا، رسالة الانسان فی الدنیا، رسالة الانسان بعد الدنیا، که در تبریز به چاپ رسیده است، (الحیدری، ۱/ ۴۸).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

آنها توجه به رویکرد تفسیری قرآن به قرآن، طرح مباحث اجتماعی ـ اخلاقی می باشد(عیسی نـژاد، ۱۸؛ رزاقی، ۲۱۵). او دعوت به اخلاقی زیستن را با سه عنوان، اخلاق انتفاعی، اخـلاق بـا پـاداش اخروی و سرانجام اخلاق معرفتـی در دسـتور کـار خـود قـرار داد(امینـی، ۲۰۳ - ۲۰۷). علامـه طباطبائی با توجه به پیشینه فلسفی خود، به مباحث فلسفی قرآن برای پاسخ گویی به فلسـفه مـادی نیز توجه داشت(رزاقی، ۲۱۸ - ۲۲۰). علامه طباطبائی پس از تفسیر قرآن به قرآن و کشف بـراهین قرآنی، مباحث فلسفی و براهین عقلی را به قرآن عرضه کرده اسـت؛ ایشـان بـا آگـاهی، مـرز میـان تفسیر و فلسفه را مشخص و قرآن را معیار سنجش، حتی درفلسفه دانسـته است(موسـوی تبریـزی، ۳۰۹ - ۳۱۴؛ خرمشاهی، ۲۶۸).

۲-۲-۴- رویکرد علامه طباطبائی در تفسیر قرآن به قرآن

رویکرد علامه طباطبائی در المیزان فی تفسیر القرآن، رویکـرد تفسـیر قـرآن بـه وسـیله قـرآن است؛ ایشان بر سابقه دار بودن تفسیر قرآن به قرآن تاکیدکرده و به نسیان سپردن آن را، سـبب پنهـان ماندن بسیاری از معارف قرآن دانسته است(طباطبائی،۱/ ۷۱؛ ایزدی مبارکه، ۳۲). به اعتقاد علامـه طباطبائی، قرآن کلامی واحد از مصدری واحد است. از این رو، وی خواسـتار مقـدم داشـتن مـتن قـرآن در فهـم آن و کنـار نهـادن تمـام مقـدمات ذهنـی مفسِّـر چـون علـم، فلسـفه، عرفـان و... است(الحیدری، ۱/ ۹۷ - ۹۹)؛ ایشان این موارد را تکمیل شونده به کمک قرآن دانسته، نـه تکمیـل کننده فهم قرآن. از این رو، علامه طباطبائی سیاق(مناسبت آیات) و بافت کلام را در تفسـیر بسـیار مهم دانسته است. به طور مثال ایشان در بازشناسی آیات مکی و مدنی و تائید یـا رّد دیـدگاه برخـی مفسران در باره این آیات، به سیاق و بافت کلام توجه داشته است «**وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبىّ وَ مَا أُوتِيتُم مِّـنَ الْعِلْـمِ إِلَّا قَلِـيلًا**» (الاسـراء،۸۵؛ طباطبـائی، ۱۳/ ۱۹۵؛ الآلوسـی، ۳۷۰؛ خرمشاهی، ۲۶۵؛ الحیدری، ۱/ ۹۹). در این رویکرد، تفسیر به رأی نمی تواند نمـود یابـد، زیرا تفسیر باید با سیاق(مناسبت آیات)، بافت کلام قرآن و عقل، مطابقت داشته باشد؛ متن(ظاهر) آیه حجت بوده و آن تفسیر باطنی که سـازگاری بـا متن(ظـاهر) دارد، پذیرفتـه مـی شـود(موسـوی سبزواری، ۱/ ۶ - ۷؛ صادقی تهرانی، ۱/ ۱۸؛ موسوی همدانی، مقدمه، ۲۱ و۲۴؛ خرمشاهی، ۲۵۸

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

و۲۶۷).[۱] علامه طباطبائی، توجه به پیوستگی و همبستگی آیات را که از ویژگی های تفسیری سده چهاردهم هجری است، ابزار تفسیر قرآن ساخته و با این رویکرد یعنی تفسیر قرآن به قرآن، اعجاز قرآن را در تبیین خویش و رفع هرگونه تناقض میان آیات، نشان داده است(موسوی همدانی، مقدمه، ۲۰؛ رزاقی، ۲۱۵ و۲۱۸؛205 - Mir,4, 204). همچنین دراین رویکرد، آشنایی با محکمات و عرضه متشابهات برآنها، رعایت ترتیب آیات براساس زمان نزول، جایگاه آیات درسوره ها، فهم مردم و زمانه آنان، بسیار قابل توجه است(الآلوسی، همانجا؛ جعفری، ۲/ ۷۲).

علامه طباطبائی کوشیده است تا با روش تجزیه ای (سوره به سوره) در ابتدای هر سوره، موضوع اصلی هر سوره را،که "بیان" یا "غرض سوره" می نامد، به خواننده بشناساند(خرمشاهی، ۲۶۰). علامه طباطبائی باآوردن این مقدمه، تفسیر خود را به روش محمد عبده نزدیک کرده و در بررسی آیات ابتدایی، انتهایی، سیاق سوره و تقسیم سوره به بخش هایی با مفهوم درونی، به همان راهی رفته که رشید رضا در تفسیر خود پیش گرفته بود(خرمشاهی، ۲۷۱؛ McAuliffe, 85 - 88). علامه طباطبائی برخلاف مفسران پیشین، هر آیه را در ارتباط با آیه دیگر تفسیر کرده است. دراین بخش به آیه های دیگر نیز، که بر یک سیاق دلالت دارند، اشاره شده، که می توان آنها را آیات کلیدی قرآن(آیات توحیدی یا غُرَر آیات) برای تفسیر قرآن به قرآن دانست. دریافت معانی یک دسته ازآیات به وسیله گروهی دیگر از آیات، سبب شده تا برخی مفسران و متخصصان علوم قرآن، اثر علامه طباطبائی را گام نهادن در عرصه تفسیر موضوعی بدانند(الآلوسی،همانجا؛ موسوی همدانی، مقدمه، ۱/ ۲۵؛ خرمشاهی، ۲۵۶). علامه طباطبائی پس از این بخش، به بحث روایی که در آن از منابع شیعه و سنی بهره برده، پرداخته است(نفیسی، ۹۶). اختصار و استقلال در بیان مطالب، پرهیز از استناد به هرگونه فرضیه غیر مُبرهن، درنیامیختن مباحث فقهی وکلامی با تفسیر، که علامه طباطبائی جای آنها را در علم فقه وکلام می داند نه تفسیر و پرهیز از روش سنّتی لغت شناسی و نحو، از ویژگی های این بخش از تفسیر هرسوره در «المیزان» است(موسوی همدانی، مقدمه، ۲/ ۲۲؛خرمشاهی ، ۲۶۷ – ۲۷۰).

۱- تفسیر علامه طباطبائی در آیه ۴۰ مریم خلاف ظاهر است و در آیه۷۶ الحج نیز چندان نزدیک به نظر نمی رسد،(مکارم شیرازی، ۱۳/ ۷۴ و۱۴/ ۱۸۰).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

در عین حال، علامه طباطبائی بحث روایی را با توجه بـه پیشـینه ایـن گونـه تفسـیر درجهـان اسلام، به طور مطلق رها نساخته؛ بلکه در برخی موارد، بهره گیری از سـنّت، راه گشـای ایشـان در تفسیر بوده است(طباطبایی، ذیل النجم، ۱۳؛ قرشی، ۳/ ۲۴۸؛ خرمشاهی، ۲۵۷). اهتمـام علامـه طباطبائی به نقل های متعدد یک روایت از امتیازهای بحث روایی المیزان اسـت. ایشـان در بحـث روایات، به گزینش سالم ترین روایت، که وابسته به همسویی و سنجش آن بـا قـرآن اسـت، بسـنده کرده و آن را از مباحث تفسیری خویش جدا ساخته است. علامه طباطبائی درباره سند روایـات بـه سه روش عمل کرده است: حذف کامل سند، آوردن نخستین راوی و آوردن سند کامـل بـه ویـژه در مورد آیه ولایت(موسـوی همـدانی، مقدمـه/ ۲۱؛ نفیسـی، ۹۰ - ۹۶). علامـه دربـاره اسـرائیلیات موضعی شدید داشته و بسیار سخت گیرانه عمل کرده است(الآلوسی، ۳۷۲؛ خرمشـاهی، ۲۶۶). از نکات جالب توجه در بحث روایی علامه طباطبائی، اشاره به روایات مشترکی است که در متون شیعی و سنّی به یک صورت نقل شده است.

علامه طباطبائی در تفسیر آیات قرآن، به منابع فراوانی مراجعه و اسـتناد کـرده اسـت؛ در ایـن میان توجه ایشان به منابع اهل سنّت، به ویژه الدرالمنثور سیوطی، نشان از ژرفکاوی او در توجـه بـه آراء صاحبنظران، دیدگاه هـای مفسـران معاصـر و نقـد برخـی آراء آنـان بـرای کامـل کـردن بحـث دارد(الآلوسی، ۳۷۰؛ خرمشاهی، ۲۶۰ - ۲۶۴). علامه طباطبائی همچنین با پرهیز از اسـتطرادها و بحث های دراز دامن، مانند بحث های لغوی، نحوی و بلاغی آیات، اختلافات قرائات را تا آنجـا که به روشن سازی مطلب کمـک مـی رسـانند، مـورد توجـه قـرار داده اسـت(طباطبـائی، ۱/ ۱۳؛ الآلوسی، ۳۷۲ - ۳۷۳).

۳- رویکرد تفسیری قرآن به قرآن در اضواء البیان شنقیطی

۱-۳- آشنایی با محمد امین شنقیطی

محمدالأمین بن محمد بن فال الخیر الحسنی الجکنی الشنقیطی(۱۳۲۵ - ۱۳۹۳هــ.ق) در تنبکتو از روستاهای منطقه شنقیط[1] در کشور موریتـانی، بـه دنیـا آمـد. خانـدان وی بـه علـم وادب

۱- برای آگاهی بیشتر از تاریخ وجغرافیای شنقیط نک: (الدلیشی الخالدی، ۱۳۹۶ه.ق/ ۱۹۷۶م، ص۱۹به بعد).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

مشهور بودند و او مقدمات علوم عربی را نزد دایی خویش شیخ عبدالله بن محمدالمختار الشنقیطی، فراگرفت. شنقیطی در ده سالگی قرآن را حفظ وعلم قرائات را از محمدبن احمدبن محمد المختار الشنقیطی آموخت(إلیشمی،۱/ ۹۹؛ الدلیشی الخالدی، ۱۴). او دانش هایی چون انساب العرب، ایام العرب وسیره نبوی را از زنان قبیله خویش یعنی بنی جکنی، به ویژه همسر دایی اش، عائشه بنت الامین الجکنیه فراگرفت(إلیشمی، ۱۰۱ و۱۶۷). پس ازآن شنقیطی با حضور نزد بزرگان قبیله جاکان به تحصیل علومی چون اصول فقه و فقه مالکی، بلاغت، حدیث واندکی تفسیر پرداخت و منطق و آداب بحث و مناظره را از راه مطالعه شخصی و بدون تلمذ نزد هیچ استادی، فرا گرفت(إلیشمی، ۱۰۲ - ۱۰۳و۱۷۰ - ۱۷۳). وی پس از فراگیری دانش های دینی، در زادگاه خویش به تدریس و قضاوت پرداخت(همو، ۲۱۰ - ۲۱۲). شنقیطی برای انجام فریضه حج،در سال۱۳۶۷ه.ق به سرزمین وحی حجاز، گام نهاد و تا پایان زندگانی خویش،که دوران درخشان زندگانی علمی اش بود، درکشور عربستان سعودی ماند(همو،۲۱۴ - ۲۱۶).

شنقیطی در مراکز علمی عربستان همچون «الجامعة الاسلامیة» (ت۱۳۸۱ه.ق)و «دارالحدیث» مدینه، «رابطة العالم الاسلامی» و «مؤتمرالحج السنوی» مکه، «کلیه الشریعه و اللغة»، «معهد القضاء العالی» شهر ریاض، به تدریس، سخنرانی و پرورش شاگردان اشتغال داشت(إلیشمی، ۲۱۷ - ۲۲۸). از شاگردان برجسته شنقیطی در سرزمین وحی می توان به شیخ حمَّاد الانصاری، شیخ عبدالعزیز آل صالح، شیخ محمدبن العثیمین و شیخ عطیه محمد سالم(د. ۱۴۲۰ه.ق)اشاره کرد. شیخ عطیه محمد سالم قاضی مدینه و مدرس حرم نبوی(ص)بود که بیش از بیست سال درسفر و حضر شنقیطی را همراهی کرد و تفسیر اضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن وی را تکمیل و با زندگی نامه او به چاپ رساند(همو،۱۹۱ - ۱۹۳).

۲-۳- آثار علمی شنقیطی

شنقیطی آثار فراوانی در زمینه های گوناگون علوم اسلامی تالیف کرده است. بیشتر این آثار به چاپ رسیده و برخی همچنان دستنویس مانده است. از آثار شنقیطی می توان به "تفسیر اضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن" در تفسیر،« بیان الناسخ والمنسوخ من آی الذکر الحکیم»،«دفع إیهام الاضطراب عن آیات الکِتاب" و«منع جواز المَجاز فی المُنَزَّل للتعبد والإعجاز» در علوم

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

قرآنی،«مُذَکِّرة اصول الفقه» و «نثرالورود علی مراقی السُّعود» درعلـم اصـول،«الـنظم الکبیـر فـی فروع مذهب مالـک» و«الـنظم فـی علـم الفـرائض» درفقـه، «آداب البحـث والمنـاظرة»، «ألفیـة المنطق"،"شرحٌ علی سُلَّم الأخضری" و"المنظوم وشرح فی فـن المنطـق"در علـم منطـق و... اشـاره کرد(إلیشمی، ۲۵۵ - ۳۲۲).

۳-۳- تفسیر اضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن

این تفسیر، از مهمترین کتاب های تفسیری جامعه اهل سنّت درسـده چهـاردهم هجـری بـه شمار می رود(العباد البدر، ۱/ ۳). شنقیطی تفسیر قرآن را از سـوره الفاتحه(حمـد)آغاز و تـا سـوره المُجادَله(سوره ۵۸، اول جزء۲۸) ادامـه داده اسـت. سـه جـزء بـاقی مانـده را، شـاگرد وی عطیـه محمدسالم، با همان رویکرد شنقیطی به تفسـیر قـرآن، بـه پایـان رسـانده اسـت. (الرومـی،۱۶۴؛ السّبت،۱، ۱۰۹). پیش از شنقیطی، در میان اهل سنت و جماعت، تفسیر قرآن به قرآن، به صـورت کامـل انجـام نگرفتـه بـود. از ایـن رو، شـنقیطی در کتـاب خـود بـا رویکـرد توضـیح متنـی (بافت/سیاق)آیات قرآن با قرآن و بسـط آن از یـک آیـه بـه آیـه دیگـر، تفسـیری کامـل فـراهم آورده است(علی ابراهیم،۷؛ الطیار، ۱۱۰؛.41, Salwa). شنقیطی به عنوان یک مومن، اعتبـار ویـژه ای برای تفسیر قرآن به قرآن قایل بود؛ زیرا به اعتقاد وی، خداوند آگاه ترین کس به تفسیر (معنی) کلام خویش است و دانشمندان جهان اسلام بر برتری تفسیر قرآن به قرآن توافق دارنـد. همچنـین درایـن رویکرد تفسیری به سبب اتکای صرف به آیات قرآن، پایبندی به مذهب، مسـلک یـاگرایش خـاص فکری، مطرح نیست(شنقیطی، ۱/ ۸؛ الرومی،همانجا؛ إلیشـمی، ۱/ ۳۴۳). در روش شـنقیطی بـا بهره گیری از تفسیر قرآن به قرآن، احکام فقهی دقیق و مستدل به آیات استنباط شـده و مسـایل ادب عربی چون صرف، نحو و مسایل لغوی چندان مـورد توجـه واقـع نشـده اسـت(الرومی،همانجـا). شنقیطی درتفسیر خود، نگاهی اخلاقی- اجتماعی (اصـلاحی) داشـته و ایـن رویکـرد تفسـیری را سبب توفیق بیشتر برای درک و عمل به فرامین الهی دانسته است(شنقیطی، ۱/ ۹).

٤-۳- رویکرد شنقیطی در تفسیر قرآن به قرآن

شنقیطی به جای اصطلاح تفسیر، از کلمه«بیان»(ابن فارس، ذیل"فسر"؛ جوهری، ذیل "فسر"؛ زرکشی، ۲/ ۱۴۷- ۱۴۸؛ شریف،۱/ ۲۸؛ الجدیع، ۲۷۹؛ عجم، ۲/ ۱۱۲) اسـتفاده کـرده و آن را در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

برابر «مُجمل»(شنقیطی، ۳۹/۱) به کار برده و تفسیرگری را فرآیند فهمی جامع از متن قرآن، هم درسطح مفردات هم در عبارات، دانسته است. وی گونه های بیان(تفسیر) را در قرآن برای مُجمَل های آن بسیار دانسته و در مقدمه، شماری از آنها را توضیح داده است(شنقیطی، ۱/ ۹- ۳۹؛ إلیشمی، ۳۳۶). مجمل های قرآن را، که شنقیطی آنها را نیازمند بیان(تفسیر)دانسته، می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- آن دسته از مجمل ها که تبیین نحوی برای بیان آنها راه گشاست. از این دسته می توان به مواردی از قبیلِ امکان ارجاع ضمیر به چند مرجع، ابهام در اسم جنس یا صله موصول، اشتراک در اسم، فعل یاحرف، ظرف زمانی یا مکانی مشترک میان آیات، اشاره کرد که می توان با شناسایی آنها، بیان(تفسیر) یک آیه را در دیگر آیات به دست آورد (شنقیطی، ۱/ ۱۷، ۱۳و۲۰).

۲- مجمل هایی که کشف ارتباط معنایی میان آیات، آنها را بیان (تفسیر) می کند. ازاین مجمل ها می توان به مواردی همچون پرسش و پاسخی روشن کننده درآیه ای دیگر، بیان شدن زوایای بیشتر رخدادی درآیاتی دیگر، یکسان بودن کاربرد اصطلاحی در آیات و ابهام به دلیل آیه ای دیگر، اشاره کرد (شنقیطی، ۱/ ۱۷، ۱۹و۲۳).

در نگاه تفسیری شیخ شنقیطی، آیات به چهار دسته تقسیم می شوند:

۱- آیاتی که تنها بخشی از آنها تفسیر شده است؛(برای نمونه نک: ذیل تفسیر البقره،۴۵، به العنکبوت، ۴۵ و طه،۱۳۲، شنقیطی، ۱/ ۱۳۷؛ إلیشمی،۱/ ۳۵۴) ۲- آیاتی که تفسیرشان در یک آیه به طورکامل و دریک جا ذکر شده است(برای نمونه نک: ذیل تفسیر الکهف،۲۶؛ الشنقیطی، ۴/ ۸۰؛ إلیشمی، ۱/ ۳۵۶) ۳- آیاتی که تفسیرشان به بخشی از آیه یا تمام آیه پس از آن باز می گردد(برای نمونه نک: ذیل تفسیر طه،۸۶ ، به طه، ۸۷؛ شنقیطی، ۴/ ۴۹۱- ۴۹۶؛ إلیشمی، ۱/ ۳۵۷) ۴- آیاتی که تفسیرشان به کمک بخش دیگری از آیات همان سوره بیان می شود (برای نمونه نک: ذیل تفسیرالنجم، آیات۳۳ - ۴۱؛ الشنقیطی،پیشین،۷/ ۷۱۱؛ إلیشمی، پیشین، ۱/ ۳۵۸).

شنقیطی برای تفسیر آیات مذکور در قالب های بالا، از سه روش عمده بهره برده است:

یک- تماثل آیات: دراین روش، شیخ شنقیطی آیاتی را که از نظر معنا و لفظ اشتراک دارند، گردآورده و با فهم هر آیه در موضع خود، به بیان(تفسیر)آیه مورد نظر خویش پرداخته است(برای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

نمونه نک: ذیل تفسیر الاسراء،۶۱ با البقره، ۳۴، الحجر،۳۱ وص/ ۷۴ - ۷۶ ،شـنقیطی، ۳/ ۲۳۷؛ إلیشمی، ۱/ ۳۵۹)

دو- إیضاح: در این روش، شیخ سعی می کند یک آیه را به کمک آیاتی کـه در ظـاهر بـا هـم اشتراکی ندارند؛ اما در معنا، میان آنها پیوندی یافت می شود، تفسیر کنـد(برای نمونـه نـک: ذیـل تفسیر البقـره، ۴۷ بـا البقـره، ۴۹ و۵۷، القصـص، ۵ و۶، شـنقیطی،۱/ ۱۳۶؛ إلیشـمی، ۱/ ۳۶۳ - ۳۶۴).

سه- إحاله: ارجاع دادن تفسیر آیه‌ای به آیات مشابه درمعنا یا لفظ،که تفسیر آنها پیش تر بیـان شده است(شنقیطی، ۴/ ۵۸۷؛ إلیشمی، ۱/ ۳۶۶).

این رویکرد به تفسیر آیات و پیوند آنها و عدم تلقی سوره به مثابه واحدی پیوسـته، نشـان مـی دهند که شیخ شنقیطی با آنکه در تفسیر قرآن رویکرد عصری را پذیرفته، امـا در عمـل همچنـان از پیشینیان پیروی کرده است.

نتایج مقاله

از آنچه گذشت، چنین بر می آید که بهره گیری دانشمندان مسلمان از روش تفسیری قـرآن بـه قرآن در سده های پیشین وجود داشت؛ اما در سده چهاردهم هجـری تحـوّل شـدیدی یافـت و بـه رویکردی جدی و جدید در تفسیر کلام خداوند مبدل شد.

تفسیر قرآن به قرآن، روشی منبعث از جریان منطقی وحی و روشنگری درونی قرآن است کـه در نتیجه تاکید بر مُبَیِّن بودن قرآن در همه چیز، به ویژه تفسیر خویش، بالندگی یافته است. در ایـن رویکردِ تفسیری، تفسـیرگری فرآینـدِ فهمـی جـامع از مـتن قـرآن، هـم در سـطح مفـردات و هـم درعبارات، دانسته شده است. همچنین توجه به قرآن، به مثابه نخسـتین منبـع در تفسـیر، توجـه بـه آگاهی خداوند از معنی (تفسیر) کلام خویش، ویژه بودن واژگان قرآن و لزوم تبیـین آنهـا بـا دیگـر واژگان قرآنی، ارتباط موضوعی آیات و تناسب آنها با یکدیگر، رعایت ترتیب سوره ها و نزول آیات، قطعیت و صحت متن قرآن، از ویژگیهای اساسی این رویکرد تفسیری به شمار می رود .

این رویکرد به ویژه در گفتگوهای بین ادیـانی، ضـمن تاکیـد بـر شناسـایی موضـوع، روش و مستند از قرآن، تائید سلامت روایات در همسویی و سنجش آنها با قرآن، تقدم قرآن(متن) بر دانش

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

یا موضع مفّسر، تحذیر و پرهیز از اعمال نظر مفّسر، به مانند تفسیر به رأی که از نگاه مفسِّر به متن، بر می خیزد، تاکید بر کارایی این رویکرد در حفظ قرآن از تحریف معانی الفاظ و کشف معانی تازه و معارفی ناب ازقرآن،که پاسخ گوی نیازهای فکری-اجتماعی هر عصری می تواند باشد، مفّسران طرفدار این رویکرد تفسیری را، چون علّامه سید محمّد حسین طباطبایی در "المیزان فی تفسیرالقرآن" و الشیخ محمد الأمین بن محمد الشنقیطي در "أضواء البیان في إیضاح القرآن بالقرآن"، به متن گرایی و مولّف محوری، درتفسیر نزدیک ساخته است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

کتابشناسی

۱- قرآن کریم

۲- الآلوسی، علی، الطباطبائی ومنهجه فی تفسیرالمیزان،معاونیة الرئاسة للعلاقات الدولیة فی منظمة الاعلام الاسلامی،طهران،۱۴۰۵ه.ق.

۳- همو، روش علامه طباطبائی درتفسیر المیزان،مترجم،سیدحسین میرجلیلی،مرکزچاپ ونشر سازمان تبلیغات اسلامی،بی جا،۱۳۷۰ش.

۴- ابن تیمیه،احمدبن عبدالحلیم،شرح کتاب مقدمة فی اصول التفسیر،محمدعمرسالم بازمول،بی جا،۱۴۲۳ه.ق.

۵- ابن فارس،معجم مقاییس اللغة،چاپ عبدالسلام محمدهارون،قم،۱۴۰۴ق.

۶- الامین،السیدمحسن، أعیان الشیعة، حقّقه وأخرجه حسن الامین،دارالتعارف للمطبوعات،۱۹۸۳م.

۷- الجدیع، عبدالله بن یوسف،المقدمات الاساسیة فی علوم القرآن، مرکز البحوث الاسلامیة، لیدز-بریطانیا، الطبعة الاولی، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م.

۸- امینی،ابراهیم،"اخلاق درالمیزان"،یادنامه علامه طباطبائی؛مقالات ارائه شده درکنگره سالانه بزرگداشت علامه طباطبائی وبررسی آثاروافکارایشان دردانشگاه تبریز،انتشارات دانشگاه تبریز،تبریز،۱۳۶۸ش،صص۲۰۱-۲۱۱.

۹- ایزدی مبارکه،کامران،"مبانی روش تفسیرقرآن به قرآن ونمودهای بهروری از آن دربینش علامه طباطبائی"،الهیات،شماره۱۱،بهاروتابستان۱۳۸۵ش،صص۲۵-۴۴.

۱۰- جوادی آملی،عبدالله،تسنیم؛تفسیرقرآن کریم،مرکزنشراسراء،قم،۱۳۷۸ش.

۱۱- جوهری،اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربیة،چاپ احمدعبدالغفور عطار،بیروت، بی تا، چاپ افست تهران،۱۳۶۸ش.

۱۲- حسینی شیرازی،سیدمحمد،تقریب القرآن إلی الأذهان،دارالعلوم،بیروت،۱۴۲۴ه.ق.

۱۳- الحیدری،سیدکمال،اصول تفسیر والتاویل:مقارنة المنهجیة بین آراء الطباطبائی و أبرزالمفسرین، دارفراقد، ایران، ۱۴۲۷ه.ق/۲۰۰۶م.

۱۴- حسینی طهرانی،محمد حسین،مهر تابان،انتشارات نور ملکوت قرآن،مشهد،۱۴۲۳ ه.ق.

۱۵- الخربولوطی،علی حسنی،اسلام وخلافة،دارالبیروت للطباعة والنشر،بیروت،۱۹۶۹م.

۱۶- خرمشاهی،بهاءالدین،قرآن پژوهی(هفتادبحث وتحقیق قرآنی)،مرکزنشرفرهنگی شرق،تهران،۱۳۷۲ش.

۱۷- خوش منش،ابوالفضل،"تفسیراجتماعی قرآن وبیداری اسلامی"،پژوهش وحوزه،شماره۳۰و۳۱،تابستان وپائیز۱۳۸۶ش،صص۱۲۹-۱۵۶.

۱۸- الدلیشی الخالدی،عبداللطیف، من اعلام الفکر الاسلامی فی البصرة؛الشیخ محمد أمین الشنقیطی،وزارة الاوقاف والشئوون الدینیة، الجمهوریة العراقیة،بغداد،۱۳۹۶ه.ق/۱۹۷۶م.

۱۹- الرومی،فهد، بحوث فی اصول التفسیر ومناهجه، مکتبة التوبة،الریاض، ۱۴۱۹ه.ق

۲۰- راس،لرد کین،قرون عثمانی، ترجمه پروانه ستاری،تهران، کهکشان، ۱۳۷۳.

۲۱- رزاقی،ابوالقاسم،"باعلامه طباطبائی در المیزان"،یادنامه مفسرکبیر استادعلامه طباطبائی،شفق،قم،تیرماه۱۳۶۱ش،صص۲۰۹-۲۴۹.

۲۲- زرکشی،محمدبن بهادر،البرهان فی علوم القرآن،چاپ محمدابوالفضل ابراهیم،بیروت-لبنان،۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

۲۳- السّبت، خالدبن عثمان، قواعدالتفسیر، دار ابن عفّان، [بی جا]، الطبعة الاولی، ۱۴۲۱ه.ق.
۲۴- سبحانی، جعفر، مفاهیم قرآن، گردآوری جعفرالهادی، موسسه امام الصادق(ع)، قم، ۱۴۲۰ه.ق.
۲۵- سروش، عبدالکریم، ازشریعتی، موسسه فرهنگی صراط، تهران، ۱۳۸۴ش.
۲۶- سند، الشیخ محمد، الإمامة الإلهیة، مرکزالأبحاث العقائدیة، النجف، ۱۴۲۱ه.ق.
۲۷- شریعتی، محمدتقی، تفسیرنوین، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۶ش.
۲۸- شریف، میر سید، التعریفات، ناصر خسرو، تهران، ۱۴۱۲ ق.
۲۹- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، افکار، ۱۳۷۵
۳۰- الشنقیطی، محمدالامین، اضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن، إشراف بکربن عبدالله ابوزید، دارعلم الفوائد، جدة، [بی تا].
۳۱- الصادقی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، دارالتراث الاسلامیة، الجزءالثلاثون، القسم الاول، بیروت، ۱۳۹۴ه.ق.
۳۲- همو، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۵ش.
۳۳- صادقی، محمد، "گفت و گو با استاد دکتر محمد صادقی"، پژوهش های قرآنی، شماره ۹و۱۰، بهار و تابستان ۱۳۷۶ش، صص۲۸۴-۳۰۵.
۳۴- صدر، موسی، امان الله فرید، "تحولات تفسیرنگاری درقرن چهاردهم"، فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره۷و۸، پائیز وزمستان۱۳۷۵ش، صص۱۰-۲۹.
۳۵- طوقان، قدری حافظ، مقام العقل عندالعرب، دارالقدس، بیروت، ۲۰۰۲م.
۳۶- الطیار، مساعدبن سلیمان، شرح مقدمه فی اصول التفسیر لابن تیمیة، دارابن الجوزی، الریاض، ۱۴۲۶ه.ق.
۳۷- العباد البدر، عبدالمحسن بن حمد، أهمیة العنایة بالتفسیر والحدیث والفقه، الجزء الاول، بی جا، بی تا.
۳۸- عجم، رفیق، موسوعة مصطلحات ابن خلدون والشریف علي محمد الجرجاني، مکتبة لبنان ناشرون، بیروت، ۲۰۰۴ م.
۳۹- عرب صالحی، محمد، تاریخی نگری و دین، تهران، پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی، ۱۳۹۰
۴۰- عزیز القس، فهیم، تاریخ علم التفسیر، قاهرة، دارالثقافة المسیحیة، بی تا.
۴۱- العقاد، عباس محمود، الاسلام فی قرن العشرین، نهضة مصر، [بی جا، [بی تا].
۴۲- عمارة، محمد، الاسلام بین التنویر والتزویر، دارالشوق، القاهرة، الطبعة الثانیة، ۱۴۲۳ه.ق/۲۰۰۲م.
۴۳- عمیدزنجانی، عباسعلی، مبانی وروش های تفسیرقرآن، سازمان چاپ وانتشارات وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ش.
۴۴- علیزاده، بیوک، "علامه طباطبایی، فیلسوفی نوصدرایی"، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع)، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۵ش، صص۲۳-۳۸.
۴۵- عیسی نژاد، سیدمحمد، "تقارن وتغایر نظریه تفسیری علامه طباطبائی ومکتب تفکیک"، گلستان قرآن، شماره۱۹۲، پائیز۱۳۸۳ش، صص۱۸-۲۱.
۴۶- عنایت، حمید، سیری دراندیشه سیاسی عرب، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ش.
۴۷- عاجل الأسدی، قیصرکاظم، البحث القرآنی عند د.محمدحسین علی الصغیر، رسالة الماجستیر، جامعة الکوفة، کلیة الفقه، کوفة، ۱۴۲۹ه.ق/۲۰۰۸م.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]

۴۸- علی ابراهیم،عبدالماجدبن محمد،ترجیحات الشیخ الشنقیطی فی تفسیره اضواءالبیان،رسالة جامعیة لنیل درجة الماجستیر فی قرآن وعلومه،إشراف الدکتورمحمدمحمدزناتی،جامعة ابن سعود الاسلامیة،المملکة العربیة السعودیة،۱۴۲۳ه.ق.

۴۹- فاخوری،حنا،تاریخ الادب العربی،تهران،توس،۱۳۸۵

۵۰- فتح الله،وسیم،الاختلاف فی التفسیر؛حقیقته وأسبابه،بی جا،بی تا.

۵۱- فلسفی، نصرالله، تاریخ قرن نوزدهم و معاصر، تهران، بی تا

۵۲- کریمی نیا، مرتضی،"امین خولی بنیان گذار مکتب ادبی درتفسیر"،برهان وعرفان،شماره ششم،زمستان۱۳۸۴ش،صص۹۵-۱۱۰.

۵۳- مغنیة،محمدجواد،تفسیرالکشاف،دارالکتب الاسلامیة،تهران،۱۴۲۴ه.ق.

۵۴- مکارم شیرازی،ناصر، تفسیر نمونه،دار الکتب الإسلامیة،تهران،۱۳۷۴ ش. منیر،شفیق،اسلام رو در روی انحطاط معاصر،ترجمه سیدغلام حسین موسوی،قلم،مرکز بررسی های اسلامی،بی جا،۱۳۶۳ش.

۵۵- موسوی سبزواری،سیدعبدالاعلی،مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن،موسسه اهل البیت(ع)،بیروت،۱۴۰۹ه.ق.

۵۶- موسوی همدانی،سیدمحمدباقر،ترجمه تفسیرالمیزان، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه،قم،۱۳۷۴ش.

۵۷- مونتگمری وات،ویلیام،برخوردآراء مسلمانان ومسیحیان،ترجمه محمدحسین آریا،دفترنشرفرهنگ اسلامی،تهران،۱۳۷۳ش.

۵۸- موسوی تبریزی، سیدمحسن،"نظریات فلسفی علامه درالمیزان"،دومین یادنامه علامه طباطبائی،موسسه مطالعات وتحقیقات فرهنگی،تهران،۱۳۶۳ش،صص۳۰۵-۳۲۹.

۵۹- میرآقایی،سیدجلال،"بیداری اسلامی ومظاهرفرهنگی،سیاسی،واجتماعی آن"،اندیشه انقلاب اسلامی،شماره ۱۰،تابستان۱۳۸۳ش،صص۴۸-۶۳.

۶۰- نفیسی،شادی،علامه طباطبائی وحدیث،انتشارات علمی وفرهنگی،تهران،۱۳۸۴ش.

۶۱- نقیب زاده،احمد،تحولات روابط بین الملل، تهران،۱۳۷۳.

۶۲- هاشم زاده، محمدعلی،"کتاب شناسی المیزان و علامه"،بینات،شماره۳۴،تابستان۱۳۸۱ش،صص۱۸۸-۲۰۸.

۶۳- هاشمی،سیدحسین،"بازتاب تفکر اصلاحی درتفاسیرجدید"،فصلنامه پژوهش های قرآنی،شماره۷و۸،پائیز وزمستان۱۳۷۵ش،صص۳۰-۵۵.

۶۴- إلیشمی، أحمد سیدحسانین اسماعیل، الشنقیطی ومنهجه فی التفسیر،رسالة الماجستیر، إشراف الدکتور احمد یوسف سلیمان، جامعة القاهرة،۱۴۲۲ه.ق/۲۰۰۱م.

65- Jane Dammen McAuliffe ,Barry D.Walfish , Joseph W.Goering ,with Reverence for the word ,Oxford university press,2003.

66- Jane Dammen McAuliffe, Qur'anic Christians:An Analysis of classical and modern exegesis, Cambridge university press,2007.

67- Salwa M.S.El-Awa, Textual Relations in the Qur'an, Routledge , London& New York ,2006.

68- Mustansir Mir,"The Surah as Unity", in The Koran, critical concepts in Islamic studies, ed. By colin turner, First published 2004 by Rutledge Curzon.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.6.8]